



آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

ضمیمه آرمان شماره (۱۰)

خرداد ماه ۱۳۵۵

سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران ODYSI

و "کنفدراسیون"

در ژانویه ۱۹۷۶ عده ای از دانشجویان و روشنفکران خارج از کشور در نشست بنام " هفدهمین کنفرانس جهانی "، قطعنامه زیر را دربار سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) صادر کردند که در نشریه " ۱۶ آذر " مورخ بهمن ماه ۱۳۵۴ چاپ شده است :

" ۰۰۰ از طریق عده ای از درماندگان سیاسی و رفرفریست در خارج از کشور و بمنظور تخطئه مبارزات کنفدراسیون اقدام به تشکیل گروهک هایی بنام، " سازمان جوانان دمکرات " کرد و با انتشار ورق پاره تازه تری بنام " آرمان " ارکان این گروهکها رسالت ادامه طرحهای انحراقی برای به سازش کشاندن — دانشجویان ایرانی خارج از کشور با رژیم جنایتکار شاه را یکبار دیگر بعهده گرفت و در عین حال لجن پرانی های خود را علیه لویه نیروهای مبارز داخل و خارج از کشور و از جمله کنفدراسیون جهانی تشدید کرد "

ما جواب این نوع اتهامات، توهین ها و دشنامهای بازاری را نمیدهیم و قضاوت را بعهده جوانان و دانشجویان مبارز و از جمله آنعده از عناصر آگاه و ایستاده پایین بخت از کنفدراسیون میگذاریم، که فعالین علمی " ادیسی " را میشناسند و فعالیت " ادیسی " را در این مدت کوتاه در مد نظر داشته اند .

اما چرا این قطعنامه صادر شد ؟

در فروردین ۱۳۵۴ دانشجویان آگاه و مترقی بعد از بحث و مشورت مفصل و همه جانبه و تحلیلی از شرایط مبارزه در داخل و خارج از کشور و با در نظر گرفتن پراکندگی و نفاق میان نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم در جنبش دانشجویی موجودیت سازمان دانشجویان دمکرات ایران را بوسیله اطلاعیه زیر اعلام نمودند :

" سازمان دانشجویان دمکرات ایران " همراه با خلقهای ایران و در پیوند

ناگسستگی با طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران ، از هر سازمان و گروه سیاسی و صنفی چه دانشجویی و چه غیر دانشجویی ، که صادقانه در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری شرکت کند و برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری بکوشد ، پشتیبانی خواهد کرد و با هر نیرو و عاملی که پیمانار ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خلقهای ایران را تضعیف کند و در اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری موجب اختلال و پراکندگی شود ، قاطعانه و پیکیرانه مبارزه خواهد کرد .

روشن است که " سازمان دانشجویان دمکرات ایران " در شرایط ترور و اختناق فتنی فعالیت پنهانی دارد ، ولی در عین حال خواهد کوشید از تمام امکانات علنی برای پس برد هدقهای خود استفاده کند .

با توجه به نداشتن فوق " سازمان دانشجویان دمکرات ایران " وظایف کلی زیرین را در برابر خود قرارداد داده است :

۱ - مبارزه با تسلط اقتصادی ، سیاسی و نظامی امپریالیسم ، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در ایران .

۲ - مبارزه با رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه .

۳ - مبارزه برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری بطور اعم و —
نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری دانشجویی بطور اخص .

۴ - مبارزه برای دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی دانشجویان .

۵ - پشتیبانی از جنبشهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در سراسر جهان .

(آرمان شماره ۱ فروردین ۱۳۵۴)

تشکیل " سازمان دانشجویان دمکرات ایران " با واکنش مثبت و استقبال گرم همه نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک بویژه جوانان آگاه و مترقی قرار گرفت . جوانان آگاه و مترقی با سازمان دانشجویان دمکرات ایران تماس گرفتند و آمادگی خود را برای مبارزه در یک سازمان واحد و بر اساس مشی و برنامه اعلام شده ، ابراز داشتند . بدینسان بود که در خرداد ماه ۱۳۵۴ " سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران " مبارزه برای انجام وظایف مندرج در اطلاعیه نخستین را بر عهده گرفت .

چنانکه از نکات بالا مستفاد میشود ، در این اطلاعیه و همچنین اطلاعیه بعدی نسه دشنامی علیه سازمانی است و نه اطلاعیه این توهم را ایجاد میکند که " سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران " قصد دارد جای سازمان دیگری را غصب کند ، زیرا ما معتقدیم که در جوامع طبقاتی ، طبقات و اقشار کوناگون ، سازمانهایی را که مدافع منافع آنها باشند خواهند یافت . مبارزه سیاسی نه میتواند در انحصار کسسی باشد و نه کسی قادر است جلوی مبارزات سازمانهای دینتر را ، که ضرورت محیط مبارزه باعث پیدایش و رشد آنهاست ، بگیرد .
بر این اصل است که " ادیسی " بوجود آمد تا خلا موجود در جنبش جوانان و دانشجویان را پر کند .

فعالیت ادیسی - چگونه است

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران " ادیسی " ادامه دهنده منطقی مبارزات جوانان و دانشجویان آگاه و مترقی است . " ادیسی " مبارزه بی امان علیه تسلط امپریالیسم و رژیم استبدادی شاه ، دفاع از مبارزات مردم و دفاع از زندانیان سیاسی را در سر لوحه برنامه خود قرارداده است . " ادیسی " برای انعکاس بیشتر برنامه اقدامات افشاگرانه در خارج از کشور ، ملاقات با سازمانهای مترقی جوانان و دانشجویان را جزو اولین مواد برنامه فعالیت افشاگرانه خود قرار داد و بر اساس بنای نمایندگان سازمانهای جوانان و دانشجویان کشورهای آلمان فدرال ، فرانسه ، سوئیس ، سوئد ، یونان ، کوبا ، اطریش ، ایتالیا ملاقات و درکنتره های آنان شرکت کرد . " ادیسی " هدف سازمان ، شرایط مبارزه جوانان و دانشجویان در ایران و وظایف مبارزین خارج از کشور را برای آنها توضیح داد . کلیه این سازمانها

از ایجاد " ادیسی " استقبال کردند و به " ادیسی " اطمینان دادند که در پشتیبانی از مبارزات خلقهای ایران از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد و " ادیسی " از همبستگی آنها برخوردار خواهد بود .

فعالیت های " ادیسی " باختصار

اولین فعالیت " ادیسی " شرکت در دموستراسیون میلیونی زحمتکشان در ماه مه ۱۹۷۵ در اثر کشورهای غربی با حمل شعار :
ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی هستیم " و " سرنگون باد رژیم محمدرضا شاه " بود .

بمناسبت ۲۱ اردیبهشت روز شهادت خسرو روزه قهرمان ملی ایران ، روز زندانیان سیاسی ، در اروپا و آمریکا پلاکتهای (آفیش) دفاع از زندانیان سیاسی ایران در دانشگاهها و خیابانهای پررفت و آمد و در میدانهای بزرگ شهرها نصب شد . مقالات متعددی بزبانهای محلی در نشریات مترقی چاپ شد . اعلامیه منتشر شد . تراکت پخش شد . در ایتالیا در اکثر شهرها این پلاکتهای حتی از طرف برخی از شهرداریها در شهرها آویخته شد .

برای احراج گروه فرهنگی رژیم شاه باصطلاح گروه باله ایران ، گروه کباده کنی شعبان جعفری (شعبان بی منخ) در فستیوال هنری ونیز و بدین وسیله طرح مسائل سیاسی ایران میان افکار عمومی ایتالیا و شرکت کنندگان در فستیوال ونیز فعالیت وسیع انجام گرفت ، تاجاچی که جای گروه فرهنگی ایران را بنمایندگان " ادیسی " واگذار کردند و شهردار ونیز اعلام کرد که شاه را به ونیز راه نخواهد داد . بر اثر این فعالیتهای هفته ها مبارزات مردم ایران در جراید ایتالیا انعکاس یافت . " ادیسی " در فستیوال " اونیتا " در شهرهای رم ، فلورانس ، ونیز ، پادوا ، اودینه ، ورونا . . . در ایتالیا ، در فستیوال " اومانیته " در پاریس و استراسبورگ ، در فستیوال " اوتست " در دوسلدورف در فستیوال " فلکس انتیه " در وین شرکت کرد و در میتینگ دو میلیونی شهر فلورانس بمناسبت جشن " اونیتا " زیر شعار " دفاع از زندانیان سیاسی " و " سرنگونی رژیم استبدادی شاه " شرکت داشت . در این فستیوالها ده صدها هزار نفر از زحمتکشان

ایتالیا و فرانسه و آلمان غربی و اطریس شرکت داشتند " ادیسی " توانست با داشتن غرفه ای از ناز زحمتشان ایران، عکس شهدا و مبارزین درینسد و همچنین جمع آوری - اعضا " علیه رژیم استبدادی شاه ، کار افشاگرانه وسیع انجام دهد . در ایتالیا در جواب پتقاضای " ادیسی " شخصیت‌های برجسته کمونیست و ضد فاشیست، رهبران احزاب و سازمانهای سندیکائی و نمایندگان پارلمان علیه کشتارهای رژیم شاه تلگرام اعتراضی فرستادند .

در ترکیه " ادیسی موفق شد هنگام سفر شاه به ترکیه با کمک حزب سوسیالیست کارگری | ترکیه، ۱۶ هزار پلاکات (آفیش) با عکس شاه جبار با شعارهای " قاتل خلقهای ایران از ترکیه کمشو " ، " زنده باد برادری خلقهای ایران و ترکیه " ، زندانیان سیاسی را آزاد کنید " و همچنین عکس رفیق شهید افراخته ، عضو سازمان افسری حزب توده ایران را در خیابانهای ازهر ، آنکارا و استانبول نصب کند .

چندین روزنامه اعلامیه های " ادیسی " را چاپ نمودند روزنامه " آپرنتیلی " با یکی از مسئولین " ادیسی " زیر عنوان " انقلاب سفید یا ترور " مصاحبه ای انجام داد . " ادیسی " بهمین مناسبت کنفرانس مشترکی با اتحادیه آموزگاران ترکیه تشکیل داد . در فرانسه در شهرهای پاریس ، کرونبل استراسبورگ ، مون پلیه و تولوز " ادیسی " موفق شد چهره کریمه رژیم استبدادی شاه را بوسیله اعلامیه و پلاکات و نمایشگاه عکس از شهدا و زندانیان سیاسی و مبارزات مردم به ایرانیان و فرانسویان نشان دهد . در اطریس " ادیسی " با نمایشگاه عکس و شرکت در دموستراسیونهای مختلف وظیفه افشاگرانه خود را انجام داد .

در آمریکا " ادیسی " در دموستراسیون همبستگی با خلق عرب فلسطین و در میتینگ " جنبه واحد برای عظمت در آنزولا " که " ادیسی " از اعضا اصلی آنست شرکت برد . " ادیسی در میتینگ ۲۰ هزار نفری در برلن غربی علیه احکام اعدام پنج نفر از میهن پرستان اسپانیائی با شعار " برچیده باد بساط حکومت فاشیستی فرانکو ، شاه ، پینوشت " شرکت کرد .

" ادیسی " در فستیوال صد هزار نفری جوانان سوسیالیست آلمان فدرال با داشتن غرفه مستقلی حضور داشت .

بنیاد " اودیسی " در آلمان فدرال نویسندگان سرشناس و مترقی علیه دستگیریهای
 هنرمندان مبارز ایرانی اعتراض کردند .

فقط در اسیون مرکزی " اودیسی " بمناسبت روز شهیدان دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۳۵۴
 نه هماهنگ با مبارزه رفقای دانشجویان در ایران بود ، از لوس آنجلس گرفته تا بلژیک ، هلند
 ترکیه ، اطریش ، آلمان فدرال ، فرانسه ، سوئیس ، ایتالیا و انگلستان هزارها —
 پلاکات (آفیش) همبستگی بدانشگاهها و خیابانهای پررفت و آمد چسبانده شد .
 هزارها تراکت پخش شد . جلسه سخنرانی برگزار شد و پیش از ۸۲ سازمان دانشجویی
 در کشورهای مختلف پیام ۱۶ آذر " اودیسی " را بمیان اعضایشان بردند .

در بین ۲۰ شهر در اروپا و امریکا ، واحدهای " اودیسی " موفق شدند با انتشار —
 هفته نامه ها رژیم استبداد شاه را افشا کنند ، مبارزات دانشجویان و جوانان و مبارزات
 مردم را منعکس سازند و برای حل مسائل گروهمی جنبش جوانان و دانشجویان بگویند .
 این بود باختصار فعالیت " اودیسی " فقط در عرض یکسال !

آیا میتوان مبارزه صادق ضد امپریالیست و ضد رژیم بود و از این فعالیت خوشحال نشد ؟
 آیا میتوان مبارز صادق ضد امپریالیست و ضد رژیم بود و با این اقدامات مخالفت ورزید ؟

مواضع " اودیسی " درباره " کنگد راسیون "

دانشجویان آگاه و مترقی پایهگذاران " کنگد راسیون " بودند . آنها با اصولیت و پیگیری
 برای مشی ضد امپریالیستی و دمکراتیک در " کنگد راسیون " مبارزه کردند . زمانیکه
 مائوئیست ها و سایر عناصر ضد کمونیست مشی انحرافی خود را به " کنگد راسیون " تحمیل
 کردند ، فعالین " اودیسی " ، که سابقاً در " کنگد راسیون " فعالیت میکردند ، تنها
 گروهی بودند ، که با این مشی انحرافی به مبارزه برخاستند .

دانشجویان آگاه و مترقی از همان اوان بروز این مشی انحرافی ، بحران و تلاشی " کنگد —
 راسیون " را در صورت ادامه این مشی انحرافی پیش بینی میکردند . فعالین " اودیسی "
 در آن درماترم هیاهوهای مائوئیستی در " کنگد راسیون " طی مقالات ، جزوه ها ، سخنرانی
 ها در سمینارها و کنفرانسها عواقب این مشی انحرافی را گوشزد میکردند .
 پیش بینی ما درباره تلاشی " کنگد راسیون " بوقوع پیوست ، " کنگد راسیون " دیگر نتوانست

بعنوان يك سازمان واحد حفظ شود .

اختلاف و مبارزه بين گروههای مختلف در داخل " کنفدراسيون " نه ساليان دراز ادامه داشت ، سرانجام به جدائی اين گروهها از هم منجر شده و " کنفدراسيون " از صدر تا ذيل ، علناً و رسماً ، به دو بخش (و در برخی نقاط به سه بخش) تقسيم کردیده است .

اينکه اين گروهها يکديگر را به " انشعاب و برهم زدن وحدت " متهم میکنند ، تغييري در اين واقعيت نميدهد که اين جدائی انجام گرفته ، اين بخشها وجود دارند و هريك از آنها سازمانهای وابسته بخود را ايجاد کرده است و نسيريات خاص خود را منتشر میکند تا اينجا پدیده طبيعي است ، طبيعي بدین معنی که وقتی در سازمانی جدائی ، بهر علت صورت ميگيرد ، عواقب سياسي و تشکيلاتی معين خود را هم بدنبال دارد .

آنچه غير طبيعي و عجيب است اينست که ، ظاهراً جداشدگان نميخواهند به اين واقعيت تن در دهند که ديگر سازمان واحدی بنام " کنفدراسيون " وجود ندارد ، زيرا ايسن بخشهای جداگانه در حالیکه هريك از آنها خط مشی سياسي و تشکيلاتی خاص خود را دنبال میکند ، همچنان اقدامات و فعاليتهاي خود را بنام " کنفدراسيون " و بنام " سازمان دانشجوئی وابسته به کنفدراسيون " انجام ميدهد .

ولی هرکس با واقعيت جدائی در " کنفدراسيون " آشناست ، در برابر اقدامات و فعاليتهاي که بنام " کنفدراسيون " انجام ميگيرد ، بلافاصله اين سؤال بر ايشان مطرح ميشود که :

کدام کنفدراسيون ؟

البته در اينجا صحبت بر سر اسم نيست . مسئله اصلی و واقعي آنست که گروههای - مختلفی که از هم جدا شده اند ، هريك در تلاش آنست که زير نام " کنفدراسيون " خود را تنها نماينده " جنبش دانشجويان ايراني در خارج از کشور " در برابر مداخله داخلی و خارجی معرفی کنند ، هريك در تلاش آنست که با اين " اعتبار نامه " سياست خاص خود را از پيش ببرد . ولی اين تلاش بيهوده ای است . کنفدراسيون " ، حتی زمانیکه سازمان واحدی بود ، مدتها بود که به علت مسی انحراقي تحميل شده بر آن نمیتوانست نماينده جنبش دانشجوئی ايران در خارج از کشور باشد و نبود . اينک که به برکت همان

مشی انحرافی ، دیگر حتی از این " سازمان واحد " هم اثری نیست ، بطریق اولی نمیتوان گروههایی که هر یک از آنها سیاست خاص خود را دنبال میکنند و بر اثر ادامه همان مشی انحرافی بیش از پیش هرگونه پیوندی را با جنبش دانشجویی از دست میدهند نمایند. جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور دانست . دانشجویان آگاه و مترقی و همه عناصر سالم و عاقل در جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور میدانند و این گروهها هم باید بدانند ، که این واقعیت را نه با ادعا ، نه با تبلیغ ، نه با سفسطه ، نه با غصب نام و نه با جبهه گیری در برابر دانشجویان آگاه و مترقی و در پیشاپیش آنها " سازمان جوانان و دانشجویان دمورات ایران " نمیتوان تغییر داد .

ادیسی و مائوئیست ها

دانشجویان آگاه و مترقی بدرستی مائوئیستها را عاملین اصلی مشی انحرافی مسلط کنفدراسیون میدانستند و از این جهت با آنها قاطعانه مبارزه کردند. " ادیسی " ایسن سنت نایسته را ادامه داد و ماهیت ضد انقلابی و نقش نفاق افکنانه آنها را از همسان آغاز افشا کرد . مائوئیستها که با پیروی از سیاست پکن از پیمان ستو و سیاست نظامی شاه دفاع میکنند ، آنها که سیاست رژیم شاه را " مستقل و ملی " میدانند و لذا بسا سرنگونی رژیم شاه مخالفت میورزند ، آنها که با سکوت خود در برابر همکاری آشکار مائوئیستهای پکن با ارتجاعی ترین محافظ امپریالیستی بر این سیاست ضد خلقی و ضد انقلابی صحنه میگذارند ، بدرستی به حاملین سیاست امپریالیسم و رژیم شاه در بیست و پنج دانشجویان لقب یافته اند . بر اثر افشا ، پیش از پیش مائوئیستها ، چه در صحنه جهانی و چه در صحنه ایران ، ورشکستگی آنها روز بروز آشکارتر میشود و طرد قطعی آنها از جنبش دانشجویی تسریع میگردد ، لذا آنها را آخرین تلاش برای نجات خود ، به شیوه های فاشیستی علیه مخالفین خود و بیش از همه علیه " ادیسی " متوسل شده اند . در ایتالیا ، در زمانیکه " ادیسی " موفق شد کارزار ضد گروه فرهنگی رژیم شاه را در قسوتی و هنری و نیز سازمان دهد ، مائوئیست های " فدراسیون ایتالیا " نتنها اقدامی علیه گروه فرهنگی شاه و فرح نکردند ، بلکه با رفقای ما هنگام پخش اعلامیه بزبان ایتالیایی

علیه رژیم شاه، بشیوه شعبان بی مخی مقابله کردند؛ در برلن غربی هم با همین شیوه وارد میدان شدند؛ در هامبورگ گستاخی را بجائی رساندند که در آکسیون مرکزی "ادیسی" بخاطر بزرگ داشت ۱۶ آذر، آنها حتی بشکستن شیشه های سالنی که ما در آنجا سخنرانی داشتیم پرداختند؛ در استکهلم و لُن هم با شیوه شعبان بی مخی، یعنی با ضربه چاقو و کتک علیه فعالین "ادیسی" بمیدان آمدند. در لوس آنجلس بشیوه مامورین ساواک پلاکات "ادیسی" را نه حامل شعار ضد رژیم شاه بود در — د مونستراسیون فلسطین پاره کردند. این شیوه و این برخورد این نوع انقلابی نمایان برای جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی کشور ما تازه نیست. در زمان قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ گروه ضربتی "پان ایرانیست" و "سومکا" با چنین شیوه ای با عناصر ملی و دموکرات و سازمانهای توده ای مقابله میکردند، حالا مائوئیستها در لباس — انقلابی کری همان وظیفه را دارند.

شایان ذکر است که چه در آن موقع و چه حال ادعای این "آقایان" بر سر رسالتشان در رهبری مبارزه است. آنها خود را نماینده بلا فصل و تام الاختیار جنبش معرفی میکنند. آنها با چاقو کنسی و کتک کاری، اخلال و شاننا میخواستند جلوی مبارزه ما را بگیرند. حتی بخش دیگر "کنفدراسیون" (یعنی عا در کنندگان قطعنامه کتکره ۱۷) یعنی متحدین دیروزی آنها هم از این اقدامات آنها در امان نیستند؛ در شهر هامبورگ آنها نمیتوانند جلسه علنی اتحادیه وابسته بخود را تشکیل دهند؛ در جاهای دیگر هم سرنوشت بهتری ندارند؛ ولی تلاشهای مائوئیستها بیهوده است؛ زیرا همانطور که در — نخستین اطلاعیه "ادیسی" گفته شده است:

"سازمان دانشجویان دمکرات ایران، با تشکیل خود و با اعلام وظائفی که در برابر خود قرارداد کرده است در راهی گام مینهد که بدون تردید دشواریها و بفرنجی های فراوان را چه از جانب رژیم شاه و چه از جانب نفاق افکنان رنگارنگ در جنبش ضد امپریالیستی و — دمکراتیک مردم ایران در بر دارد. ولی حقانیت مبارزه ما، روحیه مقاوم و پیدارجوی دانشجویان آگاه و مترقی ما و پشتیبانی مردم میهن ما این نیرو و امید را بما میدهد که

بر دشواریها و بخرنجی ها غلبه کنیم. ما تردیدی نداریم نه در خدمت به آرمانهای خلقهای ایران موفق خواهیم شد.

(آرمان شماره ۱ فروردین ۵۴)

ماتوئیستها و همکاران سابقشان در کنگد راسیون

بخشی از نیروهای داخل کنگد راسیون، هتکامیکه سیاست ارتجاعی و سازشکارانه ماتوئیستها کاملاً بر ملا شد، آنها را بعنوان خطر راست و منحرفین جنبش دانشجویی معرفی نمودند. آنها سعی نمودند در رسالات و گفتارهایشان جنبه هائی از سیاست ارتجاعی و سازشکارانه ماتوئیستی را روشن کنند، که در جای خود باعث امیدواری بود، مثلاً آنها نوشته اند "بجرات میتوان ادعا کرد که اینان بجز این شیوه های عقب افتاده راه دیگری ندارند و درست اختلاف اصلی بر سر این مطلب است یعنی :

۱- دفاع همه جانبه و بدون قید و شرط یا عدم دفاع از مبارزان انقلابی - دفاع و یا عدم دفاع از مبارزان و زندانیان سیاسی که حتی طرفدار سیاست شوروی هستند و یا به عبارت دیگر حمله و یا عدم حمله به رژیم شاه بخاطر جنایت خاصش در مورد این یا آن زندانی سیاسی (مانند شهید خدمت جو)

۲- بسیج وسیع و عمدانی علیه رژیم شاه و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و تفرقه در این مبارزه و علم کردن شوروی در هر آکسیون .

(صفحه ۴ و ۵ مسائل کنونی و میانی وحدت)

ولی اطلاعیه مورخ ۷۵/۵/۲۲ مسئولین موقت کنگد راسیون و قطعنامه کنکره ۱۷ بیانگر این واقعیت است که مشی انحرافی مسلط بر کنگد راسیون در درون این بخش از " کنگد راسیون " هنوز ریشه کن نشده و مانند گذشته بر سیاست این گروه هم مسلط است. قطعنامه کنکره ۱۷ و اطلاعیه مسئولین موقت، حملات سنگینی خود را علیه اتحاد شوروی، حزب توده ایران، مجله پیکار ادامه دادند و آنرا شامل " ادیسی " و " آرمان " هم نمودند. توده های دانشجویی که فعالیت ما را در این مدت در نظر داشته اند و روش

ما را در مقابل این بخش از "کنفدراسیون" مشاهده کرده اند، خواهند پرسید: این دستپاچگی، هتاکی، فحش نامه در "سپهر نشریه سازمان فرانکفورت" بخاطر چیست؟ کیست که از منطق اصولی پیروی کند و بتواند منکر مبارزات افشاگرانه ما علیه رژیم شاه شود؟ پس این سراسیمگی، حملات ناروا از جای دیگر نشئت میگیرد، یعنی در ادامه سیاست سنتی ضد کمونیستی، در ادامه سیاست ضد توده ای و ضد شوروی است که پای ادیسی^{۱۰} هم بمیان کشیده میشود. اگر جواب بهسدارهای حزب توده ایران و دانشجویان آگاه و مترقی که عاقبت این روش انحرافی را بارها کوشش کرده بودند، در گذشته اتهام، دشنام و قطعنامه های "محکوم کردن" بود، لاف امروز که نادرستی سیاست گذشته بر همگان روشن شده، دیگر چه جای هتاکگی و دشنام است؟ اگر در گذشته بعلمت بخرنجی وضع جهان، بر ما نشدن چهره واقعی مائوئیسم، آموزش "چپ نو" قطعنامه ها و فحش نامه ها میتوانست محیط مسموم گذشته را طوری مسموم کند که جای انتخاب صحیح از سفیم را برای عده ای مثل تند، ولی امروز که میان نیروهای انقلابی و گروههای مائوئیستی خطر روشن کشیده شده، دیگر این گمراهی برای چیست؟ مگر تلاشی کنفدراسیون که نتیجه مستقیم اجتناب ناپذیر این مشی انحرافی است در برابر چشم ما نیست؟ پس چگونه است که کسانی میخواهند مبارزه را بر اساس "وحدت رزمنده" به سطح عالیتری برسانند، ولی باز هم همان مشی انحرافی، همان سیاست ورشکسته را ادامه میدهند؟

لازم بتذکر است که در گذشته حمله و دشنام تنها بحزب توده ایران ختم نمیشد، بلکه شامل حال سایر احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری، یعنی حمله و دشنام علیه تنها نیروی پیگیر و پشتیبان مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی کشورهای تحسنت ستم، نیز میشد. این روش انحرافی تا جائی پیش رفت که در نکره های "کنفدراسیون" گروهسکهای مائوئیستی و "کمونی" را بنام نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری به پشت تربون^{۱۱} کنفدراسیون میاوردند و ساعتها اراجیف آنها را علیه جنبش کمونیستی بخورد دانشجویان میدادند، تازه با «لهله و میاهو از جا بلند میشوند و دست میزدند و کاریکاتوری از جنبش کارگری درست کرده بودند اگر این بخش

از کنفد راسیون بجای پند درفتن از گذشته تلخ ، انحرافات گذشته را بشکل دیگری امروز تکرار کند ، یعنی بجای گروهکهای مائوئیستی و " کمونی " ، گروهکهای تروتسکیستی یا انواع دیگر این نوع این گروهکهای ضد انقلابی را بعنوان " متحدین بین المللی " بدور خود جمع کند ، باید با سراحت گفت سرنوشت این بخش از کنفد راسیون " هم بجز سرنوشت مائوئیستها نخواهد بود .

" ادیسی " یا روش ضد کمونیستی مبارزه خواهد کرد

میگویند آموزده را آزمودن خطاست . با سرنوشت کنفد راسیون " هم یکبار دیگر این حقیقت تأیید شد که سیاست ضد کمونیستی عاقبت خوشی ندارد . هیچ جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیکی را نمیتوان در جهان یافته از پشتیبانی و کمک بیدریغ اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برخوردار نباشد . هر انسان صادق و مبارز مومن ضد امپریالیست سعی خواهد کرد برای پیش برد مبارزات ضد امپریالیستی همبستگی و پیوند دوستی خود را با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی حفظ کند ، زمانیکه از طرف این بخش از کنفد راسیون از مائوئیستها انتقاد میشد نه مبارزه علیه اتحاد شوروی را عمده کردند تا از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع طفره روند ، این امید بوجود آمد که عناصری از سیاست سالم در این بخش پیدا شده است ولی هنگامیکه این اطلاعیه از طرف " مسئولین موقت " صادر شد که :

" مخالفت دسته کمیده مرکزی با رژیم شاه و امپریالیسم امریکا بر پایه منافع و مصالح سیاست خارجی و جهانی دولت ضد انقلابی شوروی صورت میگیرد ، مخالفت آنها با رژیم شاه بخاطر کسب امتیاز بسود دولت شوروی است . مبارزه آنها با امپریالیسم امریکا بقصد باز کردن راه برای تسلط بیش از پیش شوروی بر میهن ما میباشد

۷۵/۵/۲۲

(اطلاعیه مسئولین موقت کنفد راسیون جهانی)

مسلم شد که ریشه های تفکر ضد کمونیستی هنوز در درون این بخش از کنفد راسیون وجود دارد و تعیین کننده سیاست آنهاست . " مبارزه آنها بقصد راه باز کردن برای تسلط بیش از پیش شوروی بر میهن ما میباشد " ، یعنی همان سیاست پکن مائوئیستی ، که با این تـ

قصد دارد کمکهای بی شائبه اتحاد شوروی بجنبشهای تجات بخش ملی را بحساب —
 جانیشینی يك " ابر قدرت " بر علیه " ابر قدرت " دیگر معرفی کند، تا سازش خود
 را با ارتجاع بین المللی موجه جلوه دهد :

جالب توجه اینجاست که ایده ثولوگهای سرمایه داری و دستا همهای تبلیغاتی رئیسهم
 هم برای لمرای نیرومای انقلابی همین تزا تبلیغ میکنند . مثلا رادیو تهران و اطلاعات
 و نیهان هم که تمام انساچان از جاسوسهای " سیا " پراست و مدافع منافسوع
 امپریالیسم در ایران هستند ، در باره مبارزات دو " ابر قدرت " دم میزنند .

از وابستگی ها که بگذریم، عملا فرقی نیست میان این اطلاعیه و نوشته های کیهان و —
 اطلاعات ، گفتار شاه و سیاست پکن . نتیجه ای نه از این دو برحورد بوجود میاید اینست
 نه آن بخش از کنگد راسیون که معتقد است " عمده درد مبارزه علیه اتحاد شوروی " باعث
 انحراف در امر مبارزه بر علیه امپریالیسم امریکا خواهد شد، هنوز نمیتواند خط و نشان خود
 را در سیاست کنگد راسیون بگذارد و عملا " تعیین کننده سیاست این بخش از کنگد راسیون
 هم در دست افرادی است نه در گذشته بشکل دیگری سیاست ضد کمونیستی را پس میبردند
 و امروز ماموریت دارند از این طریق انجام وظیفه کنند. کنگد راسیون پس از مر سازمان —
 دیگر تجربه کرده است نه سیاست ضد کمونیستی باعث انفراد کامل آن از جنبش —
 امپریالیستی خواهد شد .

به نامه زیر که از طرف نماینده " کنگد راسیون " در کنگره گویس (اتحادیه دانشجویان
 فلسطین) صادر شده توجه کنید :

" دوستان عزیز :

در طول جلسه دیروز کنگره حادثه ناگوار و غیر منصفانه ای بوقوع پیوست که ما را مجبور به
 ترك کنگره نمود. ما سعی خواهیم نمود در طی این نوشته دلائل خود را در این باره ارائه
 دهیم. در جلسه دیروز هنگامیکه ما به تحلیل دربار " نقش ضد انقلابی شوروی " در مبارزه
 خلقهای خاور میانه بخصوص در رابطه با جنبش آزاد پپخش فلسطین پرداختیم رئیس کنگره —
 ناگهان رشته سخن را بدست گرفت و اعلان کرد که نظریاتی که هیئتهای نمایندگی عنوان —
 میکنند بهیچوجه الزاما " موافق نظریات " گویس " (اتحادیه عمری دانشجویان

فلسطین) نیست. سپس روزیونیستهای مرتد ما را مورد حمله قرار داده و با تهمت ضد کمونیست و غیره زدند. در اینجا هم نه فقط هیچگونه اعتراضی از طرف ریاست کنگره یا آنها نشد، بلکه برعکس رئیس کنگره درباره پیوند انقلابی بین جنبش فلسطین و شوروی داد سخن داد.

بنظر ما حادثه دیروز از آنجا ناشی شد که اتحادیه دانشجویان فلسطینی سعی میکرد که دو نقطه حرکت کاملاً "متفاوت یعنی نظریه روزیونیستی مدرن و آنتی روزیونیستی، مشی ضد انقلابی و مشی انقلابی را هم طراز هم قرار دهد."

این نامه نمونه روشنی است که چگونه سیاست ضد کمونیستی و ضد شوروی، صرف نظر از اینکه بخواهد یا نخواهد، وی را عملاً از تمام نیروهای ضد امپریالیست جدا میکند. زیرا تنها نماینده آلبانی بود که بخواست نمایندگی "کنفدراسیون" جواب مثبت داد و کنگره را ترک کرد. "ویا در کنگره های کنفدراسیون تبلیغ میشد که شرکت ما در کنفرانس های اتحادیه بین المللی (IUS) تنها برای انفجار آن از درون است یعنی استراتژی کوسک (کنفرانس بین المللی دانشجویان) را در پیش گرفتن و از مبارزه در جوار ۸۲ سازمان مترقی دانشجویی جهان پرکنار ماندن!

یا در کنگره اولانپا تور اتحادیه بین المللی دانشجویان (IUS) نماینده کنفدراسیون حتی حاضر شد قطعنامه علیه رژیم شاه را پس بگیرد، چون بنمایندگی کنفدراسیون پیشنهاد شده بود نه قسمت ضد شوروی قطعنامه را حذف کند و بعداً برای کنگره بگذارد.

بدینسان بنا به ابتکار نماینده کنفدراسیون برای اولین بار ما سیاست جهانی ضد انقلابی کنگره (IUS) برده نشد. در این اقدام بخوبی دیده شد که چگونه مبارزه علیه شوروی باعث انحراف مبارزه علیه رژیم خواهد شد.

وقتی از قطعنامه "ما سیاست نواستعماری شوروی" و "ما سیاست جهانی ضد انقلابی شوروی" و غیره را محکوم میکنیم، "که سالها از طرف کنگره های کنفدراسیون صادر میشدند به قطعنامه نونوی زیر میرسیم که:

"کنفدراسیون موظف است درباره سیاست خارجی این کشور از عام گوئی پرهیز و فقط با تحلیل از این سیاست و بطور مشخصی علیه آن موضع گیری نماید، این موضع باید با

رعایت اصل دفاع بدون قید و شرط جنبشهای آزاد بیخوش و عدم دخالت در مواضع این جنبشها در خدمت منافع بلا واسطه این جنبشها اعلام کردد " (مصوبات کنگره ۱۷ ص ۳) آنوقت میتند امید وار بود که گامی در جهت طرریا ست ضد شوروی برداشته میشود. اما وقتی در مقاله " پیروزی خلق آنگولا در شکست امپریالیسم جهانی " در ۱۶ آذر بهمن ۵۴، از اتحاد شوروی و کویای سوسیالیستی بعنوان دو عامل مهم در پیروزی خلق آنگولا اصلا اسمی برده نمیشود، مسئله ای که پریزیدنت فورد حنجره खुسود را درید و جهان سرمایه داری مانند مار بخود پیچید، تا جائیکه کویا را تهدید بداخله مستقیم کردند، آنوقت باید باین نتیجه رسید که با وجود حتی قطعنامه کنکسره ۱۷ هنوز سیاست گذشته تعقیب میشود.

زیرا با استناد بهمین قطعنامه لاقی میبایست نطق آکوستینو، رهبر آنگولا، در اظهار قدر دانی از شوروی و کویا در پیروزی خلق آنگولا، یاد آوری میشد. مگر ممکن است در جهان امروز زندگی کرد و بنقش سوسیالیسم و امپریالیسم واقف نبود و از آنها تحلیل ندانست؟ مگر ممکن است اتحاد شوروی و کویای سوسیالیستی، دو عامل مهم در پیروزی خلق آنگولا بر تجاوز امپریالیستی را نادیده گرفت و از کنارش رد شد؟ در اینجا است که باید گفت این بخش از کنگره راسیون هم با همه ادعاها هنوز نتوانسته است بر علیه بقایای مائوئیستها و تفکر مائوئیستی غلبه کند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و شعار اتحاد

" سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران " در بند ۳ وظایف خویش " مبارزه برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری بطور اعم و نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری دانشجویی بطور اخص " را صریحا قید کرده است.

" ادیسی " بدین منظور از کلیه سازمانها و عناصر مترقی، که صادقانه علیه امپریالیسم و رژیم شاه مبارزه میکنند، دعوت میکند که با حفظ استقلال سیاسی و سازمانی متحد شوند، تا بتوان این مبارزه را بشمر رساند. شمر بخشی مبارزه ضد رژیم در انحصار طلبی مبارزه نیست، در مبارزه نیروهای اپوزیسیون بر علیه یکدیگر نیست، بلکه در اتحاد نیروهای ضد رژیم است.

"ادیسی" به افراد صادق و مبارزی که در این بخش از "کنفدراسیون" وجود دارند و در گذشته دوش بدوش دانشجویان آناه و مترقی در مبارزات ضد رژیم شاه شرکت داشته اند، دست اتحاد دراز میکند.

فعالین "ادیسی" بخوبی میدانند که این جمله: "از طریق عده ای از درماندگان سیاسی و فرمیست در خارج از کشور" جمله آنحده ای که صادقانه در این بخش از "کنفدراسیون" فعالیت میکنند و با فعالین "ادیسی" پیوند مشترک مبارزاتسی دارند، نیست. "ادیسی" ایمان راسخ دارد همانطور که در گذشته افراد پروکاتور، نفاق افکن، مشکوک نتوانستند برای همیشه چهره خود را پنهان کنند و از جنبش طسرد نندند، همین طور هم امروز چهره عناصری که برای تیرگی روابط ادیسی با این بخش از "کنفدراسیون" تلاش میکنند، بر ملا خواهد شد. مسلم است مبارزین صادق باید کوشش کنند که اتحاد نیروهای واقعا انقلابی عملی نسود.

پایان

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

شماره بانکی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

G. Sobich

Gustav Sobich

Kreissparkasse Recklinghausen

Friedenau 3

Fil. Dorsten-Holsterhausen

4270 Dorsten 3

Girokonto 1656974

West-Germany

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran

Price: 0,50 DM or its equivalent in all other countries